

## بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی - 6 / اردیبهشت / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ( ۱ )

اولاً خوشامد میگویم به همه‌ی برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان و بلندپایگان نیروی انتظامی - که یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین نیازهای ملی را تأمین میکنند و این وظیفه‌ی بزرگ را بر دوش گرفته‌اید - به وزیر محترم کشور ( ۲ ) هم که تشریف دارند خوشامد عرض میکنیم. ان شاءالله همه‌تان موفق و مؤید باشید.

باید همه به یکدیگر تبریک عرض کنیم [این] توفیق الهی را که توانستیم بار دیگر وارد ماه رجب بشویم. ماه رجب یک فرصت تقرب به ارزشهای الهی و تقرب به ذات مقدس پروردگار و فرصت خودسازی است. این ایّامی که در روایات ما به‌عنوان ایّام برجسته معرفی شده‌اند، اینها همه فرصتند؛ هر فرصتی هم نعمت است و هر نعمتی هم نیازمند شکر و سپاس است. شکر و سپاس نعمت هم این است که انسان نعمت را بشناسد، بر طبق اقتضای این نعمت رفتار کند، از آن بهره ببرد، نعمت را از خدا بداند و آن را در راه خدا به کار ببرد؛ ماه رجب از این نعمتها است. بعد هم ماه شعبان است که آن هم نعمت دیگری است و این دو ماه از نظر کمّی ( ۳ ) و اهل توحید و اهل معنا مقدّمه‌ی ماه رمضان؛ و ماه رمضان ماه عروج است، ماه رفتن به معراج است، ماه تزکیه است، ماه تصفیه است که همه‌ی ما به اینها احتیاج داریم. از ماه رجب قدردانی کنید؛ در این ماه توسّلات خودتان به درگاه پروردگار عالم را هرچه میتوانید بیشتر کنید؛ به یاد خدا باشید و کار را برای خدا انجام بدهید؛ این تلاشی که میکنید، این زحمتی که میکشید، برای خدا قرار بدهید.

کار شما از جمله‌ی کارهایی است که خیلی راحت میتواند نیت الهی و قصد قربت در آن راه پیدا کند. همه‌ی کارها را میشود برای خدا انجام داد؛ حتی تلاش معاش را هم میشود برای خدا انجام داد و قصد الهی کرد؛ اما در بعضی از کارها قصد خدایی کردن خیلی راحت‌تر است؛ از جمله کار شما. چون کار شما خدمت به جامعه است، خدمت به مردم است، خدمت به جمهوری اسلامی است، خدمت به اسلام است، نصرت اسلام است. همین آیه‌ای که الان این جوان عزیز اینجا خواندند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ» ( ۴ ) - نصرت خدا کنید؛ جزو ناصران و کمک‌کنندگان و نصرت‌کنندگان خدا باشید - خوب، یکی [از مصادیقش] همین است؛ کار شما جزو کارهایی است که حقیقتاً میتواند نصرت اسلام باشد، نصرت دین باشد، کمک به مردم باشد. بنابراین قصد قربت، که شما بگویید خدایا! من این خدمتی که میکنم، این ساعتی که در اداره هستم، این ساعتی که سرپُست هستم، این تلاشی که برای بهبود کار انجام میدهم، این پنج دقیقه‌ای که بیشتر از وقت مقرر در اداره میمانم و کار انجام میدهم، این را برای تو انجام میدهم، فرصتی است برای اینکه کار شما برای خدا انجام بگیرد. از برکات این ماه استفاده کنید که از جمله همین است که عرض کردم.

اولاً لازم است من تشکر کنم از نیروی انتظامی. خوب، کارهای خوبی انجام میگیرد؛ ممکن است انسان در یک مورد، دو مورد، پنج مورد یک ایرادهایی هم داشته باشد، لکن حقیقت این است که تلاشی که نیروی انتظامی در سطح کشور دارد انجام میدهد، حقاً و انصافاً تلاش قابل تقدیری است. یک نمونه‌اش این زحمات شماها در ایّام عید است؛ ایّام عید همه‌ی مردم در خانه‌هایشان هستند، با خویشاوندانشان هستند، پهلوی فرزندانشان هستند، [اما] جوانهای شما، بچه‌های شما، مأموران شما در جاده‌ها، در شهرها - اینجا و آنجا - سرگرم و دل‌نگران وضع دیگران و راحتی دیگرانند؛ در جاده یک‌جور، در شهر یک‌جور، در کلانتری‌ها یک‌جور، در خیابانها یک‌جور؛ این خیلی باارزش است و لازم است تشکر کنیم؛ و من تشکر میکنم.

اهمّیت نیروی انتظامی که این قدر ما روی آن تکیه میکنیم، ناشی از اهمّیت مأموریت نیروی انتظامی است. اهمّیت هر انسانی به قدر آن مسئولیتی است که بر دوش میگیرد و این انسان یا این مجموعه یا این سازمان به همان اندازه اهمّیت پیدا میکند. مأموریتی که شما آن را بر عهده گرفته‌اید، استقرار امنیّت در کشور است. امنیّت خیلی مهم است؛ آنجایی که امنیّت نیست، مردم قدر امنیّت را میفهمند؛ آنجایی که مرد از خانه خارج میشود، زن از خانه خارج

میشود، جوان و فرزند از خانه خارج میشوند بدون اینکه خاطر جمع باشند که دوباره به خانه بر خواهند گشت؛ خیابان ناامن است، کوچه ناامن است، بیابان ناامن است، حوادث در انتظار شهروندان است؛ آنجایی که انسانها در داخل خانه‌ی خودشان احساس ناامنی میکنند، اینجا است که انسان میفهمد امنیت چقدر مهم است. ایجاد این امنیت، استقرار این امنیت، عمومیت بخشیدن به این امنیت، کار شما است. مهم‌ترین سازمانی و مجموعه‌ای که این وظیفه‌ی مهم را بر دوش گرفته است، نیروی انتظامی است و این خیلی کار مهمی است. بنابراین سازمان با نگاه به این مأموریت اهمیت پیدا میکند.

خب، امنیت هم یک امر تبلیغاتی و زبانی نیست که انسان بگوید آقا، ما امنیت ایجاد کردیم. شما اگر صدار در اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها و گفتارها بگویید که بله، ما این خیابان را امن کردیم، بعد شب که مردم در این خیابان رفت‌وآمد میکنند، با عوارض ناامنی مواجه بشوند، خب آن گفته‌ها اثری نمیکند: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست»؛ مردم باید احساس امنیت بکنند. احساس امنیت هم متوقف است بر وجود واقعی امنیت؛ امنیت باید واقعاً وجود داشته باشد. خب، البته کارهای خوبی انجام گرفته؛ آمارهایی که فرماندهی محترم بیان کردند، بنده هم در گزارشها این آمارها را دیده‌ام و اینها هم بارز است، منتها به این نباید اکتفا کنید؛ باید نیتتان، همتتان این باشد که هرچه ممکن است، این سطح امنیت را و ایمنی‌بخشی را بالا ببرید. اینکه ما مثلاً فرض کنید از حوادث جاده‌ای فلان مقدار درصد کم کنیم، کافی نیست؛ باید همتتان این باشد که حوادث جاده‌ای اتفاق نیفتد؛ سرعت اتفاق نیفتد؛ ایجاد ناامنی در داخل شهرها و از این قبیل حوادثی که هست اتفاق نیفتد؛ همت باید این باشد. وقتی همتتان را بر این گماشتید، طبعاً کار، بی‌وقفه انجام میگیرد، یعنی کاری که انجام میدهید از دور نمی‌افتد.

یک مسئله‌ی مهم این است که امنیت اجتماعی و امنیت فردی که میگوییم، صرفاً این نیست که شما از خانه که بیرون می‌آیید تا اداره یا دکان و محل کسب یا مدرسه، فرض کنید کسی در خیابان به شما چاقو نزند. خب بله، این یکی از شعب امنیت است که تعرض جسمی به انسان نشود - بلاشک این هست - اما در کنار این، امنیتهای رقیق‌تر از لحاظ رؤیت و مشاهده اما گاهی بمراتب خطرناک‌تر وجود دارد. فرض کنید ناامنی‌ای که ناشی است از ترویج مواد مخدر؛ اگر چنانچه محیط گردشگاه ما، محیط بوستان ما، محیط خیابان ما، محیط مدرسه‌ی ما جوری باشد که آن کسی که وارد آنجا میشود - بخصوص جوانها؛ عمدتاً جوانها - در مقابل ترویج مواد مخدر ایمنی نداشته باشند، این ناامنی ناامنی خیلی خطرناکی است. اگر فرض بفرمایید جوانهای ما در مقابل کشاندن به سمت فحشا و منکرات، ایمنی نداشته باشند، این ناامنی بزرگی است. شما لابد اطلاع دارید، ما هم گزارشهایی داریم که افرادی با خرج پول و با الهام از مراکز دستوردهنده، سعی‌شان این است که جوانهای ما را در محافل شبانه در جاهای گوناگون به سمت فحشا و به سمت منکرات بکشاند! این غیر از این است که حالا یک جوانی یک حرکت غلط غیر شرعی انجام میدهد؛ نه، این کشاندن جوانها به سمت منکرات ناامنی است؛ شما باید نگذارید؛ باید مانع بشوید. اینکه مثلاً فرض بفرمایید خیابان ما از لحاظ ایجاد حوادث گوناگون جسمانی ایمن باشد اما جوان ما ایمن نباشد که او را با وسوسه‌ها از داخل مدرسه، از داخل دانشگاه، از داخل پارک، از داخل فروشگاه، از داخل رفاقتهای خیابانی بکشاند به یک محفل شبانه‌ای و او را با فحشا و منکرات و مانند اینها آشنا کنند یا غرق در این چیزها بکنند؛ یا تجاوزهای ناموسی؛ اینها چیزهایی است که جزو مسائل مهم امنیت است. یعنی اگر ما امنیت داشته باشیم که این چیزها در آن ملاحظه نشود، این در واقع امنیت نیست. بالاخره مواد مخدر، دزدی ناموسی، کشاندن به فحشا و مانند اینها مسائل بسیار مهمی است.

یک مسئله هم این است که من شنیده‌ام که گاهی اوقات در بعضی از خیابانها این جوانهایی که مست ثروتند - مست غرور ثروت - سوار ماشینهای آن‌چنانی میشوند و در خیابان بنا میکنند به جولان دادن و رفت‌وآمد کردن و محیط خیابان را ناامن [کردن]؛ اینها هم ناامنی است. بایستی در قبال هر نوع ناامنی برنامه داشت و حرکت کرد و کار کرد. اینها چیزهایی است که جوانب گوناگون امنیت است.

یک مسئله‌ی مهم [دیگری] که وجود دارد - که بنده بارها تکرار کرده‌ام - مسئله‌ی اقتدار نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است. یعنی جزو وظایف جمهوری

اسلامی این است که در جامعه امنیت ایجاد کند. امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی - همان طور که شرح دادید - جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمیتوانیم اینها را رها کنیم. مظهر این امنیت و عامل وسط میدان این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی؛ بنابراین بایستی اقتدار داشته باشید؛ باید بتوانید مقتدرانه عمل کنید؛ باید بتوانید با قاطعیت عمل کنید. منتها نکته‌ی کار این است که اقتدار را با ظلم نباید اشتباه کرد؛ اقتدار را با حدودمرز نشناختن و بی‌مهار حرکت کردن نباید اشتباه کرد. مثلاً فرض کنید در بعضی از کشورها - فرضاً در آمریکا - پلیس خیلی مقتدر است؛ آدمهای عضلانی را هم پشت دوربین‌ها و مانند اینها نشان میدهند که اینها به‌عنوان پلیس آمده‌اند وسط میدان و دارند قبض و بسط میکنند؛ خوب بله؛ لکن میزنند بی‌گناه‌ها را میکشند؛ کسی را به‌عنوان اینکه مثلاً میخواسته اسلحه بکشد، پانزده شانزده گلوله میزنند و پدرش را درمی‌آورند، نابودش میکنند - این اقتدار اقتدار مطلوبی نیست؛ اقتدار همراه با ظلم است؛ این اقتداری است که در نهایت، ایجاد امنیت نمیکند، ایجاد ناامنی میکند؛ خود این، عامل ناامنی میشود - بعد هم که میروند دادگاه، دادگاه‌ها هم اینها را تبرئه میکنند که می‌شنوید. این قضایا امروز متأسفانه در دنیای بی‌اعتنای به ارزشهای معنوی خیلی زیاد است که مشاهده میکنید. حالا بامزه اینجا است که در آمریکا که به اصطلاح رئیس‌جمهور هم یک سیاه‌پوست است، در عین حال نسبت به سیاه‌پوستان این حالات و این کارها دارد انجام میگیرد. به‌مناسبت اینکه یک روزی برده‌داری را یک شخصی، یک رئیس‌جمهوری حذف کرده است، جشن میگیرند - که آن هم محل اشکال است؛ آن هم محل ایراد اساسی است؛ یعنی آبراهام لینکلن که میگویند این را حذف کرده است، بر حسب دقت‌های تاریخی‌ای که کسانی کرده‌اند، واقعیت قضیه این نیست؛ مسئله مسئله‌ی حذف بردگی نیست؛ مسئله مسئله‌ی شمال و جنوب بود و جنگ‌های دامنه‌دار و ریشه‌دار چندساله‌ی شمال و جنوب آمریکا و بحث دعوی بین زمین‌داری و کشاورزی از یک طرف و صنعت از یک طرف؛ دعوا سر این حرفها بود؛ بحث این نبود که واقعاً به‌خاطر احساسات انسان دوستانه [باشد] - اما در همان حال، سیاه‌ها مورد ظلم قرار میگیرند، مورد بی‌اعتنایی قرار میگیرند، مورد تحقیر قرار میگیرند؛ بعد هم که جانشان [در خطر است]. این جور اقتداری در مورد پلیس، مطلوب اسلام و مطلوب ما نیست؛ نه، ما این را که بیاییم و حالت و شکل به اصطلاح بازی سینمایی و هالیوودی بدهیم به کار پلیس خودمان در خیابان، نمی‌پسندیم. ما میخواهیم کار به معنای واقعی کلمه انجام بگیرد؛ یعنی قاطعیت، اقتدار در عین حال با عدالت، با مروّت، با ترخّم؛ جاهایی بایستی با ترخّم همراه باشد؛ این مظهر اسلام است. ذات مقدّس پروردگار از این طرف رحمان رحیم است، از آن طرف صاحب عذاب الیم است؛ یعنی این دو در کنار هم مورد توجّه قرار میگیرد. این باید بیاید همین‌طور در پایین این هرم و پخش بشود در زندگی ما و رفتارهای ما و کارهای ما که از جمله در مورد پلیس این معنا بایستی وجود داشته باشد.

یک مسئله‌ی دیگری هم که خیلی به‌نظر من مهم است قانون‌گرایی است. این قانون‌گرایی دو عرصه دارد؛ یک عرصه در مواجهه‌ی با مردم؛ یعنی شما ببینید که کجا تخلف از قانون میشود، آنجا در مقابلش بایستید، یک عرصه‌ی دیگر در درون سازمان؛ به معنای اینکه عضو نیروی انتظامی در داخل سازمان نیرو به معنای واقعی کلمه قانون‌گرا باشد و رعایت قوانین را بکند؛ آنجا قانون‌گرایی بایستی بیش از همه‌جا در جریان باشد؛ و طبعاً سلامت نیرو؛ سلامت. من به فرماندهان محترم قبلی هم در طول این چند سال همواره سفارش میکردم، حالا هم به فرماندهی محترم و مسئولان نیروی انتظامی تأکیداً سفارش میکنم که مسئله‌ی سلامت نیرو را دست‌کم نگیرید؛ سلامت نیرو. شما با نیروهای نظامی دیگر فرق دارید؛ شما بین مردم و مردم با شما مماسند؛ خدای نکرده هرگونه تخلفی، اشکالی، ایرادی، کج‌رفتاری‌ای، بدعملی‌ای فوراً بین مردم منعکس میشود؛ بیش از سایر دستگاه‌ها. شاید کمتر دستگاهی در سطح کشور داریم که به‌قدر شما با مردم مخلوط باشد و همراه باشد؛ لذا اگر خدای نکرده اشکالاتی وجود داشته باشد، خطایی باشد، خیانتی باشد، مشکلی باشد، بلافاصله در بین جامعه منعکس میشود؛ وقتی منعکس شد، آن وقت فقط آبروی نیروی انتظامی نیست که می‌رود - همان‌طور که عرض کردیم، نیروی انتظامی نماینده‌ی حاکمیت اسلامی است، نماینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است در مردم - آبروی همه خواهد رفت. این است که خیلی به مسئله‌ی سلامت نیرو اهمیت بدهید. داخل کلانتری‌ها، در خیابان، در جاده، در همه‌جای دیگر واقعاً توجّه بشود به این معنا که سلامت نیروی انتظامی و عناصر نیرو حفظ بشود. حقیقتاً نیروی انتظامی میتواند به جمهوری اسلامی

آبرو بدهد. یعنی اگر فرض کنیم پنج یا ده دستگاه دیگر هم به وظایفشان عمل نکنند اما نیروی انتظامی یک نیروی انتظامی صحیح‌العامل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم باشد، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد؛ می‌توانید مایه‌ی آبرو باشید. نقطه‌ی مقابله هم خدای نکرده ممکن است اتفاق بیفتد؛ لذا اینها را بایستی توجه کرد که عمده، صیانت سازمانی است؛ در درون سازمان، این صیانت لازم انجام بگیرد که این طبعاً به بیرون منعکس خواهد شد.

خب، در گزارش فرماندهی محترم، این بود که توجه به جهات معنوی و اخلاقی و جهات دینی و اعتقادی و مانند اینها مورد توجه و برنامه‌ریزی است؛ بسیار خوب است. پیشرفتهای کاری علمی و اتکاء به ابتکارات علمی‌ای که روزه‌روز در دنیا به وجود می‌آید، بسیار کار لازمی است که این، ارتقای سازمانی را ایجاد میکند. به خدای متعال توکل کنید؛ کار را برای خدا انجام بدهید؛ درست انجام بدهید؛ ان شاء الله خدای متعال هم برکت خواهد داد؛ هم به کار شما برکت خواهد داد، هم ان شاء الله وجود شما را مایه‌ی برکت برای نظام جمهوری اسلامی خواهد کرد. دعایتان میکنیم؛ خداوند ان شاء الله همه‌ی شما را موفق بدارد؛ مؤید باشید و بتوانید کارهای لازم را انجام بدهید. در بخشهای مختلف کارهایی هست که مشترک است، باید مسئولین هم همکاری کنند و ان شاء الله با همکاری بتوانید کارهای بزرگ را انجام بدهید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱) این دیدار همزمان با برگزاری بیستمین همایش سراسری فرماندهان این نیرو - که در روزهای ۵ و ۶ اردیبهشت سال جاری در تهران تشکیل شد - برگزار شد. قبل از شروع بیانات معظم‌له، سرتیپ حسین اشتری (فرمانده نیروی انتظامی) گزارشی ارائه کرد.

۲) آقای عبدالرضا رحمانی‌فضلی (وزیر کشور و جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی)

۳) انسانهای کامل

۴) سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۱۴